

ایمان آفسریان

IMAN AFSARIAN



“بر بساطی که بساطی نیست”  
“ON THE ODDS AND ENDS OF NO SIGNIFICANCE”

بدون عنوان، از مجموعه بر بساطی که بساطی نیست، رنگ روغن روی بوم، ۹۰×۱۱۰ سانتی متر، ۱۳۹۱  
Untitled, from the *Odds and Ends of No Significance* series, oil on canvas, 90x110 cm, 2012



روح پدر جاوید، از مجموعه بر بساطی که بساطی نیست، رنگ روغن روی بوم، ۱۳۰×۱۵۴ سانتی متر، ۱۳۹۲  
*The Soul of Javid's Father, from the Odds and Ends of No Significance series, oil on canvas, 130x154 cm, 2013*





بدون عنوان، از مجموعه بر بساطی که بساطی نیست، رنگ روغن روی بوم، ۱۰۰×۱۳۰ سانتی متر، ۱۳۹۱  
Untitled, from the *Odds and Ends of No Significance* series, oil on canvas, 130x100 cm, 2012

بدون عنوان، از مجموعه پر بساطی که بساطی نیست، رنگ روغن روی بوم، ۱۶۵×۲۲۰ سانتی متر، ۱۳۹۰  
Untitled, from the *Odds and Ends of No Significance* series, oil on canvas, 165x220 cm, 2011





بدون عنوان، از مجموعه بر بساطی که بساطی نیست، رنگ روغن روی بوم، ۱۵۰×۱۱۲ سانتی متر، ۱۳۹۲  
Untitled, from the *Odds and Ends of No Significance* series, oil on canvas, 150x112 cm, 2013

بدون عنوان، از مجموعه بر بساطی که بساطی نیست، رنگ روغن روی بوم، ۱۳۰×۱۲۰ سانتی متر، ۱۳۹۰  
Untitled, from the *Odds and Ends of No Significance* series, oil on canvas, 130x120 cm, 2011





## حرف‌هایی درباره‌ی بر بساطی که بساطی نیست

هر بار نقاشی‌های ایمان افسریان را می‌بینم دلم می‌خواهد دستم را بر کارها بکشم تا خاک آن‌ها را بگیرم. دلم می‌خواهد نفس عمیقی بکشم تا بتوانم گرد و غبارشان را برویم. انگار چیزهای درون این قاب‌ها همه‌گی از جان رفته‌اند و یا آن قدر پا خورده‌اند که از نفس افتاده‌اند. جهان ایمان افسریان ستایش این از کار افتاده‌گی و بی‌رمقی‌ست. و یا شاید حال و هوایی است که دیگر زندگی‌اش نمی‌کنیم. آن چه این کارها را نزدیک و ملموس می‌کند تا بوی نمور آن‌ها را حس کنیم، زندگی و پرسه‌ی خود اوست در میان این اشیا و در همین کوچه پس کوچه‌ها.

او فارغ از کاربرد و چیستی اشیا، به خود چیزها، به خود رنگ‌ها، و به خود نور و سایه‌ها نگاه می‌کند. گاهی می‌توان حس کرد او لابه‌لای این چیزها نفس می‌کشد، بر آن‌ها دستی می‌کشد و گردشان را می‌روید تا آن‌ها هم نفسی بکشند. او گاهی با عکس به چیزها نزدیک می‌شود و گاهی با نقاشی ما را به درون آن‌ها می‌کشد. گاهی هم دوربین نقاش را از چیزها دور می‌کند.

او معمولاً از دوربین بهره می‌گیرد تا کادر مناسب، جای ایستادن و خیره ماندن را پیدا کند و یا در تاریکی با نور اوپیک طراحی کند و یا در روشنایی با پرینت‌هایی که با رنگ‌های متفاوت چاپ شده‌اند، زمان و حال و هوای دل‌نشین خودش را بیاید تا بر بوم بگذارد. او با دوربین زمان را متوقف می‌کند تا رنگ‌ها را ثابت نگه دارد. در طراحی عمیقاً به عکاسی وفادار است و در رنگ‌گذاری به نقاشی. او گاهی هم بی دوربین این زمان سیال به دست نیامدنی را نظاره می‌کند و زمان بسته‌ی عکس را با رنگ باز می‌کند. گاهی عصر است و رنگ‌ها خاکستری بنفش گاهی روز است و رنگ‌ها سبز خاکستری یا به اصطلاح عکاسان گاه ماژن‌ا است و گاه سایان. او فضاها یا چیزهایی را انتخاب می‌کند که به خودی خود تصاویر مرسوم عکاسی‌اند. همین که تخت و کمد و چراغ مهتابی و جای قاب و سینی و چک‌های آب و لکه‌ی آفتاب‌اند کافی‌ست که دیده شوند. زمان در این فضاها ایستاده است، چیزها از جان رفته‌اند و همین که گوشه‌ای از زنده‌گی افتاده‌اند بس است. او به این چیزها از رو به رو نگاه می‌کند، نه از بالا و نه از پایین. خنثی. دوربین را که کنار می‌گذارد، با اشیا بی‌واسطه زندگی می‌کند. سینی و کتاب را لمس می‌کند و زمانی که بر آن‌ها گذشته است را می‌بیند. هر ساعت، نوری که بر آن‌ها تابیده است را هنگام رنگ‌گذاشتن مزه مزه می‌کند. می‌توان سرمای سینی را هفت بعد از ظهر زمستان با دلی گرفته لمس کرد، می‌توان نه صبح بر روی آن چای گرم صبحانه را نوشید. او در کار سینی – چیزی به این پیش پا افتاده‌گی، صلب و بی‌موضوع – به گمان من بیش از هر کار دیگری به ما امکان دیدن و تجربه کردن می‌دهد. شاید اگر بخواهم این کار را با کارهای گذشته‌ی او قیاس کنم، آینه‌ها را بینم که به همین ساده‌گی روبه‌روی ما بر دیوار یا بوم آویزان‌اند. گر چه در آینه‌ها همین که نقاش در آن‌ها دیده نمی‌شود موضوع است که رنگ می‌گیرد (و شاید از این حیث به عکاسی نزدیک می‌شود). آن چه در کار آینه‌ها اهمیت پیدا می‌کند دیدن آینه است و غیاب نقاش و ما و ذهن پرسش‌گر هر دوی ما. ولی آن چه در کار سینی مدام با ما می‌ماند خود کنش نقاشی‌ست و خود مساله‌ی دیدن.

کارهای ایمان افسریان هر چه بیشتر گذشته است، هر چه بیشتر قلم کشیده است و رنگ گذاشته است، طعم و بوی بیشتری به خود گرفته است. مهم نیست که کارهای او شبیه به عکس‌های "خوب" اند یا نه، مهم نیست که موضوع در کارهای او جایی دارد یا نه و مهم نیست که کارهای او تکراری‌اند. آن چه به گمان من اهمیت دارد این است که تکرار یا اگر بتوانم بگویم تکنیک جای خود را به روح کار داده است. کارها با این تکرارها جان گرفته‌اند. و نقاشی‌ها با روح نقاش تنیده‌اند. حالا که دوباره نگاهی به این نقاشی‌ها می‌اندازم می‌بینم چه خوب که این کارها خاک گرفته‌اند، چه خوب که بی‌جان گوشه‌ای افتاده‌اند و چه خوب که با این حال، تمنای رسیدن هیچ بارانی هم نیست که بر این بساط ببارد.

غزاله هدایت – پاییز ۱۳۹۲

## A Few Words on the Odds and Ends of No Significance

Every time I see Iman Afsarian's paintings, I have an urge to dust them. I would like to take a deep breath and sweep their dust away. It seems like all the living things within the frames are lifeless and everything has been wilted from weariness. Iman's world is all about praising this very obsolete and fatigue. Or it might be in praise of a mood in which we are no longer accustomed to. What makes these works tangible to us to sense them, however, is the artist's constant wandering within the realm of the objects, and through these old forgotten alleys.

Regardless of the functionality and nature of these objects, he looks at the objects themselves, their colors, lights and shadows. Sometimes it conveys the sense that he breathes between these bits and pieces, caresses them, and dusts them to give them life, love and to let them breathe too. At times he gets close to his subjects through a photograph and at other times he takes us with him into his world via a painting and sometimes the camera detaches the painter from the objects.

Using a camera, he seeks the right frame, the place to stand and the right angles to stare at. In the darkness, he uses an opaque projector to draw, or at light, he uses printouts reproduced in different colors to choose his preferred time and mood to portray on the canvas. He freezes time using a camera to keep the colors still. He is quite loyal to photography when he draws and devoted to painting when he chooses his palette. He sometimes observes this flowing elusive time without the aid of a camera and sets free the constricted time in a photograph by painting it. The colors are gray and purple in the afternoon and green-grey during the day, or as photographers would say they are Magenta or Cyan. He naturally chooses places or things that are common visual imagery in photography. It is enough for him to have a bed, a dresser, a fluorescent light, a photo frame, a tray, some water drips or sunray to want to make them visible. Time has stood still in these spaces, objects have become wilted and it suffice if they are left unattended somewhere in a corner. He looks at things straightly, neither from up nor down. Just a neutral stare. He puts the camera aside and simply lives with these objects. He understands the existence of a tray or a book and sees the passing of time upon them. Every hour of a day, while adding paint to his canvas, he tastes the light shined on an object. The coldness of the tray in a gloomy winter evening, or the feel of a warm breakfast tea can be felt in his paintings.

In his painting of a tray, something this mundane, rigid and seemingly so unremarkable, the artist manages to give us an exceptional opportunity for contemplation and experience. Perhaps, if I may want to compare this work with his previous ones, I will have to mention the mirrors facing us hung on the wall. Although the painter himself is not there to be visible in the mirrors, it is the subject itself that is been highlightd and the artist seems to get close to the functionality of photography even more. What is significant in seeing these mirrors is the absence of us and the painter and our questioning minds. But what remains with us in this painting of a tray, is the act of painting and the act of seeing.

The more time has passed of Iman Afsarian's endeavours and the more he has painted, his works have gained more flavour of their own. It doesn't matter whether his works resemble "good" photos or not, whether there is a specific subject behind them or whether they are repetitive. What matters, in my opinion, is that repetition, or better said, technique, has become the soul of these paintings. His works have come to life because of repetitions and have intertwined with the soul of their creator.

Now that I look back at Iman's paintings, I realize how good it is to see that they are dusty, how good that they are left lifeless somewhere, and how good that despite this all, there is no asking for rain to be poured on them.

# IMAN AFSARIAN

1974 Tehran, Iran Education 2000 MA, Illustration, University of Art, Tehran, Iran 1996 BA, Painting, University of Art, Tehran, Iran Solo Exhibitions 2013 Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2010 Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2008 Aria Art Gallery, Tehran, Iran 2006 Aria Art Gallery, Tehran, Iran 2004 Haft Samar Art Gallery, Tehran, Iran 1995 Haft Samar Art Gallery, Tehran, Iran 1994 Haft Samar Art Gallery, Tehran, Iran Selected Group Exhibitions 2012 Assar Artists' Annual Group Exhibition, Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2011 Assar Artists' Annual Group Exhibition, Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2010 The Promise of Loss: A Contemporary Index of Iran, Arario Gallery, New York, USA 2009 Routes II: An Exhibition of Contemporary Middle East and Arab, Waterhouse and Dodd Gallery, London, UK 2009 The Promise of Loss: A Contemporary Index of Iran, Ernst Hilger Gallery, Vienna, Austria 2009 Viewpoints and Viewing Points - Asian Art Biennial, National Taiwan Museum of Fine Arts, Taipei, Taiwan 2009 Tehran-Frankfurt/ Frankfurt-Tehran, Mah-e-Mehr Art Gallery, Tehran, Iran 2008 Tehran-Frankfurt/ Frankfurt-Tehran, Mousonturm Cultural Center, Frankfurt, Germany 2007 Modernism in Iranian Art, Art College, Ferdowsi University, Mashhad, Iran 2005 Moscow Artist's House, Moscow, Russia 2004 6th Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran 2002 5th Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran 2000 4th Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran 1998 3rd Painting Biennial, Tehran Museum of Contemporary Art, Tehran, Iran Art Fairs 2011 Contemporary Istanbul's side exhibit in collaboration with Assar Art Gallery, Istanbul, Turkey 2007 Broken Promises, Forbidden Dreams, London Art, Iranian Heritage Foundation, London, United Kingdom Other Activities/ Publications 2003-Present Art Director, Herfeh Honarmand Art Magazine, Tehran, Iran 2003-Present Essayist, Herfeh Honarmand Art Magazine/ Tandis Art Magazine 2007 Modernism in Iranian Art, lecture, Ferdowsi University, Mashhad, Iran 2007 Treibsand, DVD Magazine

## ایمان افسریان

۱۳۵۳ تهران، ایران تحصیلات ۱۳۷۹ کارشناسی ارشد تصویر سازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران ۱۳۷۵ کارشناسی نقاشی، دانشگاه هنر، تهران، ایران نمایشگاه‌های انفرادی ۱۳۹۲ گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۹ گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۷ گالری آریا، تهران، ایران ۱۳۸۵ گالری آریا، تهران، ایران ۱۳۸۳ گالری هفت ثمر، تهران، ایران ۱۳۷۴ گالری هفت ثمر، تهران، ایران ۱۳۷۳ گالری هفت ثمر، تهران، ایران برگزیده نمایشگاه‌های گروهی ۱۳۹۱ نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان گالری اثر، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۹۰ نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان گالری اثر، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۹ گالری آریا، تهران، ایران ۱۳۸۹ گالری آریا، تهران، ایران ۱۳۸۸ نمایشگاه گروهی سالیانه هنرمندان آمریکا ۱۳۸۸ گالری واتر هاوس آند داد، لندن، انگلستان ۱۳۸۸ گالری ارنست هیلگر، وین، اتریش ۱۳۸۸ دوسالانه هنر آسیا، موزه بین‌المللی هنرهای زیبا تایوان، تایپه، تایوان ۱۳۸۸ "تهران - فرانکفورت / فرانکفورت - تهران"، گالری ماه مهر، تهران، ایران ۱۳۸۷ "تهران - فرانکفورت / فرانکفورت - تهران"، مرکز فرهنگی موزانتورم، فرانکفورت، آلمان ۱۳۸۶ مدرنیسم در هنر ایرانی، دانشکده هنر، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران ۱۳۸۴ خانه هنرمندان مسکو، روسیه ۱۳۸۳ ششمین دوسالانه نقاشی، موزه هنرهای معاصر، تهران، ایران ۱۳۸۱ پنجمین دو سالانه نقاشی، موزه هنرهای معاصر، تهران، ایران ۱۳۷۹ چهارمین دو سالانه نقاشی، موزه هنرهای معاصر، تهران، ایران ۱۳۷۷ سومین دو سالانه نقاشی، موزه هنرهای معاصر، تهران، ایران آرت فرها ۱۳۹۰ نمایش جانبی کاتیمپوری استانبول با همکاری گالری اثر، استانبول، ترکیه ۱۳۸۶ آرت فر لندن، بنیاد ایران هریتج، لندن، انگلستان سایر فعالیت‌ها / آثار منتشر شده ۱۳۸۲ - تا امروز مدیر هنری مجله حرفه هنرمند، تهران، ایران ۱۳۸۲ - تا امروز نویسنده مجله حرفه هنرمند، تهران، ایران ۱۳۸۶ "مدرنیسم در هنر ایرانی"، سخنرانی، دانشکده فردوسی مشهد، ایران ۱۳۸۶ مجله DVD ترابیسند

[www.assarartgallery.com](http://www.assarartgallery.com)

All rights reserved

No part of this publication may be copied or transmitted

in any form or by any means without the prior written permission of Assar Art Gallery.

Printed in May 2013

Art Director & Graphic Designer: Iman Safaei - Dabestan Studio

Production Manager: Hooyar Asadian

تهران، کریم‌خان زند خیابان ایرانشهرکوی برفروشان، شمالی ۱۶

کدپستی: ۱۵۸۲۶ تلفن: ۸۸۲۶۶۸۹ فکس: ۸۸۲۴۳۹۴۷

16 BARFOROUSHAN ALLEY,

IRANSHAHR ST., KARIMKHAN ZAND ST., 15836 TEHRAN-IRAN.

PHONE: (+9821)88326689 FAX: (+9821)88343947

[info@assarartgallery.com](mailto:info@assarartgallery.com)

ASSAR  
ART  
GALLERY  
نگارخانه اسرار